روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
پست الکترونیکی: Info@sharghnewspaper.ir - www.sharghnewspaper.ir
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: تهران، خیابان آفریقا، بلوار گلشهر، پلاک ۴۶
تحریریه: ۳۳-۲۲۰۳۸۰۲۴ نمابر: ۲۲۰۳۴۵۱۵
سازمان آگهی ها: ۲۲۰۵۷۰۹۰ (۲۰خط)- نظارت بر توزیع: ۶۶۹۵۸۶۱۰
امور مشترکین- تلفن: ۲۰-۶۶۹۷۱۱۱۹، نمابر: ۶۶۴۰۴۱۶۵
امور فنی، آتلیه و لیتوگرافی: روزنامه شرق- چاپ: افست

روزنامه شرق

سال سوم ■ شماره ۷۷۶ ■ سه شنبه ۱۶ خرداد ۱۳۸۵ ■ ۹ جمادی الاول ۱۴۲۷ ■ ۶ژوئن ۲۰۰۶

آبادان	+۴۵+۳۱	بیرجند	+۲۹+۱۷	سنندج	+۳۰+۱۳	همدان	+۳۰+۱۲
اراک	+۲۹+۱۲	تهران	+۳۲+۱۷	شهرکرد	-	یاسوج	+۳۱+۲۰
اردبیل	+۲۷+۱۵	تبریز	+۳۰+۱۲	شیراز	+۳۲+۱۹	یزد	+۳۱+۱۸
ارومیه	-	خرم‌آباد	-	قزوین	+۲۷+۱۳	دبی	+۴۱+۲۸
اصفهان	+۲۹+۱۳	رشت	+۲۸+۲۱	کرمان	+۲۷+۱۶	نجف	+۴۶+۳۳
اهواز	+۴۷+۲۹	زاهدان	+۳۱+۱۸	کرمانشاه	+۳۳+۱۴	مکه	+۵۱+۲۷
ایلام	+۳۷+۲۴	زنجان	+۲۷+۱۰	کاشان	+۳۳+۱۶	مدینه	+۴۶+۲۹
بجنورد	-	زابل	+۳۸+۲۳	کیش	+۳۷+۲۸	لندن	+۲۰+۱۰
بندرعباس	-	ساری	-	گرگان	+۳۶+۱۸	پاریس	+۲۱+۹
بوشهر	+۳۴+۳۰	سمنان	+۳۰+۱۶	مشهد	+۲۹+۱۶	استانبول	+۲۳+۱۴

تهران: اذان ظهر ۱۲:۰۲ اذان مغرب ۱۹:۳۳ اذان صبح فردا ۳:۰۸

راهنما

تلویزیون امروز

خاطرات یک خبرنگار	دو	۱۰
سینمای دیگر	دو	۱۳/۳۰
مبارزه استاد (سینمایی)	دو	۲۱/۳۰
سینمای حرفه‌ای	دو	۲۴
پای پیاده	پنج	۲۲/۲۰
هشدار برای کبری ۱۱	پنج	۱۹/۲۰

تئاتر روز

از خاک تا افلاک
سالن اصلی تئاترشهر- ۲۰/۰۰

امشب باید بمیرم
سالن چهارسو تئاترشهر- ۱۹/۰۰

قدم زدن روی ابرها با چشم بسته (آروند دشت آرای)
مجموعه تئاتر شهر

برو گم شو عزیزم
اداره تئاتر

امیر ارسلان در کافی شاپ (مجید جعفری)
تئاتر گلریز

سینمای امروز

آتش بس (تهمینه میلانی)
آفریقا ـ ایران ـ عصر جدید۲ ـ پارس ۱ ـ آسیا ـ گلریز۱ ـ بهمن۲ ـ جوان۲ ـ قیام ـ پیروزی ـ المپیا ـ سپیده۱ ـ شاهد ـ ماندانا ـ پایتخت ـ فرهنگ ـ ملت ـ ناهید

باغ های کندلوس (ایرج کریمی)
فرهنگ۲- فلسطین۲- سپیده۲- ایران۲

به آهستگی(مازیار میری)
عصر جدید۱ ـ صحرا ـ شهر تماشا ـ فرهنگ۱

فرهنگ

بیانیه کانون کارگردانان سینمای ایران درباره وقایع اخیر

سینمای ایران دچار بحران است و ما نگرانیم

نگاه روز

از آنجایی که نقطه عزیمت هر حرکت فرهنگی اندیشه است، اینک اندیشه ورزان سینمای ملی درگیر مبارزه با تاجران سینمایی هستند؛ آن هم با سخیف ترین شکل آن یعنی تلفیق تجارت و جهالت. پرسش اصلی این است که سهم این تاجران از جوایز جشنواره فجر چیست؟ و یا نصیب شان از هزار جایزه جهانی سینمای ایران به چه میزان است؟ و یا حتی چند فیلم از آثار پرمخاطب و تاثیر گذار در شهرهای بزرگ کشور حاصل تلاش اینان است؟ می دانیم که سینما ترکیب هنر، صنعت و اقتصاد است و می دانیم که این گروه هنرمند نیستند، ولی پرسش اصلی ما این است که این گروه بالاخره تاجرند یا صنعت گر؟ توجه صرف به بخش اقتصادی سینما بدون در نظر گرفتن و ارزش قائل شدن برای ابعاد دیگر حاصلی جز تخریب فرهنگی ندارد! اینک که عده‌ای قلیل سعی دارند تفکرات صرفاً سودجویانه را حاکم بر مناسبات سینمای ملی نمایند اندیشه ورزان چگونه باید احقاق حق کنند؟ خوب است نقش این تاجران سینمایی در تولید آثار تاثیرگذار سینمای ایران پس از پیروزی انقلاب به آمار درآید و خوب است تاکید شود که حتی سینماگران مطرح ما هرگاه به دلایلی در چنبره این آقایان گرفتار آمدند، بدترین فیلم هایشان را ساخته اند. سینمای ملی تکیه بر روابط اجتماعی و مناسبات آن دارد. بنابراین نه تنها مخاطب گریز نیست، بلکه بر مخاطب تاثیر درونی عمیق هم می گذارد. و همین نکته مرز جدایی ما و تاجران سینماست. آنان با در اختیار گرفتن امکانات تولید، عرضه و نمایش، عرصه را بر سینمای متعالی تنگ نموده و اندیشه را به بهانه سودآور نبودن به ابتذال دعوت می کنند. در این شرایط وظیفه ایجاد تعادل و توازن میان نیروها را دولت بر عهده دارد و این پرسش طرح می شود که نقش مدیریت سینما در این مناقشه تاریخی چیست و به چه میزان مدیران دولتی حامی فرهنگ و هویت سینمای ملی هستند؟ متاسفانه به نظر می رسد دامنه جدال مابین اندیشه و سرمایه ارکان خانه سینما را نیز دربرگرفته و بسیاری از مشکلات و بحران های اخیر در هیات مدیره خانه سینما گواه این مدعاست. پس از استعفای اکثریت اعضای هیات مدیره افراد باقی مانده به دلیل عدم آگاهی از مسائل کلان سینما و مرزبندی نیروها در انجام ماموریت های اصلی خود ناتوان به نظر می رسند و قادر به مدیریت این بحران نیستند. به گمان ما جریانی از سال ۱۳۷۲ تا به امروز به صورت های پنهان و نیمه پنهان می کوشد مدیریت های سینمایی را با بحران های متوالی روبه رو کرده و در فضایی که فرصت طلبی به هوشمندی تعبیر می شود، همواره این جریان سعی داشته تهیه کنندگان صوری را نیازمند به وجود چند نفر نگه دارد تا در شرایط مقتضی به عنوان سیاهی لشکر به کارشان گیرد. این جریان با نفوذ در شورای مرکزی اتحادیه تهیه کنندگان و توزیع سینمای ایران زور را جانشین منطق و پول را مقدم بر اندیشه ساخته تا در نهایت مصالح عمومی سینما را قربانی منافع شخصی خود سازد. روشن است که امروز پرده دری و جهل همه ارکان سینما را نسبت به آینده آن دچار تردید و ترس کرده و سکوت نخبگان نیز بسیار پرمعنا و نگران کننده است. کانون کارگردانان سینمای ایران در شرایط فعلی تنها راه برون رفت از بحران های اخیر را در انتخابات مشروع و فراگیر در اتحادیه از یک سو و از سویی دیگر تسریع در انتخابات هیات مدیره‌ای کارآمد، قدرتمند و آگاه به مسائل کلان و ریز سینمای ایران برای خانه سینما می داند. ناگفته پیداست، برگزاری عادلانه انتخابات مورد نظر تنها مقدمه‌ای در جهت سالم سازی فضای سینمایی کشور است و اعتلای سینمای ملی بدون همدلی و تعامل مستمر میان کلیه نیروهای دلسوز رویایی بیش نیست.

نامه جعفر پناهی بعد از پخش غیرقانونی «آفساید»، در سطح شهر

بعد از ۱۱۵ روز، من هنوز منتظرم

۱۱۵ روز از انتظار شروع نمایش «آفساید» می گذرد. ۱۱۵ روز پیش بود که درخواست پروانه نمایش کردم، اما متاسفانه هر چه تلاش کردم بیشتر به بن بست خوردم. در این مدت مانند دوران تولید فیلم، شاهد انواع و اقسام کارشکنی ها و بدقولی ها بودم، اما تلاش کردم تا به هر شکل شده فیلمم را به نمایش عمومی بگذارم که متاسفانه نشد. این اواخر سعی کردند مشکلات بیشتری سر راهم بگذارند تا شاید دست از تلاش برای نمایش عمومی فیلم برای هموطنانم بردارم... بالاخره آخرین ضربه را هم خوردم و آن پخش گسترده و غیرقانونی سی دی «آفساید» در سطح شهر بود. ساعت ۲۳ روز ۱۲ خرداد ۱۳۸۵ خبردار شدم که سی دی فیلمم به شکلی غیرقانونی و با کیفیت خوب در سطح تهران به فروش می رسد. یکی از همکاران که یک کپی از فیلم را از فروشگاهی در تهران خریده بود، همان شب به خانه من آمد و همراه با محمود کلاری فیلم را بازبینی کردیم و یقین حاصل شد که این کپی از روی نسخه ۳۵ میلی متری و با استفاده از دستگاه حرفه‌ای در ایران تبدیل و روانه بازار شده است. از فردای آن شب به جد پیگیر بودم تا عوامل این سرقت فرهنگی را شناسایی کنم. در اولین اقدام مدیر کل اداره نظارت و ارزشیابی را در جریان گذاشتم و طبق درخواست ایشان شرح ماوقع را به منزلشان فکس کردم و منتظر واکنشی سریع بودم که متاسفانه واکنشی صورت نگرفت که دلیلش تعطیلی روز جمعه بود. از فردای آن روز خودم اقدام کردم و به مراجع قانونی در خیابان بخارست مراجعه کردم و بالاخره همراه یکی از دوستان موفق شدیم تعداد ۳۰ کپی از فیلم را از فروشگاهی به دست بیاوریم تا شاید سرنخی باشد برای شناسایی عوامل این سرقت که مسلماً سر در باندهای قاچاق فیلم با پشتوانه های قوی تری دارند. در این جا از تمام همکاران که مسلماً خودشان هم چنین مشکلاتی داشته اند و ضربه های مالی و معنوی خورده اند، طلب یاری می کنم تا بتوانم ریشه این گونه سرقت ها را شناسایی کنم. همچنین حدود ده روز پیش با دکتر دادکان (ریاست فدراسیون فوتبال) و تیمسار نوآموز صحبت کردم که بتوانم فیلم آفساید را برای بازیکنان تیم ملی در آستانه سفر به رقابت های جام جهانی به نمایش بگذارم، چون فکر می کردم که تماشای آفساید باعث تقویت روحیه و ایجاد انگیزه مضاعف در آنها می شود. اما در کمال تاسف، فدراسیون فوتبال به دلیل این که فیلمم هنوز مجوز نمایش نگرفته و همچنین به دلیل مخالفت مسئولان بالاتر، همکاری لازم را نکرد تا این اتفاق هم نیفتد. هنوز هر چهارشنبه داستان انتظار برای پروانه نمایش «آفساید» تکرار می شود و من هنوز منتظرم. حتی برای حل این مشکل پیشنهاد کردم که ابتدا فیلم را در شهرستان های کوچک نمایش بدهند و اگر مشکلی پیش نیامد، نمایشش را در تهران و شهرهای دیگر آغاز کنند. آنها هرگز نمی گویند فیلمم چه مشکلی دارد. هر کدام از مسئولان این کار که فیلم را می بینند می گویند شخصاً از فیلم تان خوش مان آمده است، اما هیچ تلاشی برای نمایش عمومی آن نمی کنند. من هنوز منتظرم، حتی بعد از ۱۱۵ روز و حتی بعد از این سی دی های غیرقانونی سطح شهر.

سینما

«سوغات فرنگ» هفته آینده اکران می شود

سینما

فیلم سینمایی «سوغات فرنگ» آخرین محصول آماده نمایش موسسه پویافیلم به کارگردانی کامران قدکچیان از هفته آینده در گروه سینمایی قدس اکران می شود. قدکچیان که هشت سال روی صندلی کارگردانی ننشسته بود، به زودی با «سوغات فرنگ» آغازی دوباره در سینماها خواهد داشت. این فیلم مضمونی کمدی دارد و فیلمبرداری و مراحل فنی آن آذرماه سال گذشته به پایان رسید. از دیگر عوامل تولید «سوغات فرنگ» می توان به نویسنده فیلمنامه حسن انصاریان، مدیر فیلمبرداری رضا بانکی، طراح صحنه و لباس سحر شهامت، موسیقی فردین خلعتبری، روابط عمومی فرامرز روشنایی، بازیگران رامبد جوان، مجید صالحی، شیلا خداداد، حسام نواب صفوی و آناهیتا نعمتی و تهیه کننده حسین فرحبخش اشاره کرد. این فیلم محصول پویافیلم است.

اجرای موسیقی ایرانی در برابر پارلمان اروپا دربلژیک

موسیقی

سعید شنبه‌زاده هنرمند بوشهری به همراه گروه خود موسیقی خلیج فارس در برابر پارلمان اروپا در کشور بلژیک به اجرای قطعات موسیقی خلیج فارس و موسیقی تلفیقی می پردازد. به گزارش ایسنا علاوه برهنرمندان ایرانی، نوازندگان فرانسوی نیز این گروه را همراهی خواهند کرد. گروه موسیقی خلیج فارس با این برنامه قصد دارند پیام صلح و دوستی را از طریق اجرای موسیقی خلیج فارس به گوش جهانیان برسانند. سعید شنبه‌زاده سال گذشته در شهر پاریس کنسرت موسیقی پژوهشی برگزار کرده بود. شنبه‌زاده در ماه اوت سال گذشته نیز در سیته دولا موزیک یکی از مراکز مهم موسیقی در پاریس و در ماه اکتبر یک کار تلفیقی دیگر در پاریس اجرا کرد. سعید شنبه‌زاده در فیلم «گفت وگو با باد» ساخته بهرام بیضایی (اپیزود قصه های کیش) نقش اصلی را داشت؛ نقش راوی تاریخ کیش. شنبه‌زاده در اپیزود ساخته مخملباف هم رهبر گروه نوازندگان محلی بود که در صحنه هایی از فیلم، به صف کنار ساحل می نواختند. شنبه‌زاده در موسیقی اپیزود «باران و بومی» رخشان بنی اعتماد همکاری داشته و یکی از همکاران مجید انتظامی برای ساخت موسیقی فیلم «روز واقعه» هم بوده است.

پیکر به آذین به خاک سپرده شد

یاد

محمود اعتمادزاده ـ م.ا. به‌آذین- روز چهارشنبه ۱۰ خرداد در سن ۹۲ سالگی چشم از جهان فرو بست.

پیکر این نویسنده و مترجم بزرگ روز پنجشنبه ۱۱ خرداد در مراسمی خانوادگی و با حضور برخی از دوستان وی در گورستان کوچک بی بی سکینه(س) به خاک سپرده شد. به گفته کاوه اعتمادزاده- فرزند مرحوم به‌آذین- خواست بر خصوصی و غیررسمی بودن مراسم تدفین و خاکسپاری به دلیل وصیت شخص به‌آذین صورت گرفته است. خانواده به‌آذین، همچنین اعلام کرد که در ادامه ادای وصایای آن مرحوم، هیچ مراسم رسمی و مجلس یادبود عمومی‌ای برای محمود اعتمادزاده برگزار نخواهد شد. در عین حال کاوه اعتمادزاده به شرق گفت که خانواده و برخی از دوستان به‌آذین امروز بعدازظهر راس ساعت ۵ به مزار آن مرحوم در گورستان بهشت بی بی سکینه گرد می آیند. بهشت بی بی سکینه(س) گورستانی کوچک است که کمی دورتر از محل عوارضی کرج ـ قزوین واقع شده است. از به‌آذین آثاری منتشر نشده باقی مانده است که مهم ترین آنها سه جلد خاطرات است که چندی است در انتظار مجوز به سر می برد. دو جلد اول این خاطرات با عنوان «از هر دری» منتشر شده است.

دیوید ممت تیرماه به تالار کوچک می آید

تئاتر

«اولئانا» نوشته دیوید ممت، با کارگردانی علی اکبرعلیزاد، تیرماه درسالن کوچک مجموعه تئاتر شهراجرا می شود. این نمایش که نخستین اجرای حرفه‌ای و عمومی از یکی از نمایشنامه های دیوید ممت است، پیش از این در بیست و چهارمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر در کارگاه نمایش اجرا شده بود و به دلیل نامناسب بودن این تالار برای میزانسن و نوع طراحی صحنه نمایش که در اجرای عمومی آن، تالار کوچک به این اثر تعلق گرفت. «اولئانا» داستان دختر دانشجویی است که نتوانسته از یکی از دروس خود نمره قبولی بگیرد و برای همین مسئله با استاد خود گفت وگو می کند و ازاین پس اتفاقات متفاوتی می افتد. این نمایش و ماجراهای آن در سه پرده و حول کشمکش میان این استاد و دانشجو رخ می دهد. علیزاد این متن را که خودش ترجمه کرده است، قصد دارد توسط نشر ماهی منتشر کند. وی همچنین در حال حاضر مشغول ترجمه نمایشنامه «روزهای خوشی» نوشته ساموئل بکت است.

تیک ایت ایزی

کرگدن نامه

سیدعلی میرفتاح

«روزگار غریبی است، نازنین.» این جمله را بعد از مرحوم شاملو، این کپورچالی بود که بر زبان می راند. وقتی چهره های ما ـ مخصوصاً چهره مرا ـ به شکل ادوات استفهام دید، بر فرمایش قبلی اش اضافه کرد: «چه باید کرد؟» و این جمله را بعد از لنین، هیچ کس به اندازه این پیرمرد به کار نبرده است.

آقای مویدی: کدام فرمایش را چه باید کرد؟

آقای کپورچالی: کلاً. کلاً عرض می کنم. واقعاً چه باید کرد؟

آقای امیرشاهی: کار خاصی نمی خواهد بکنی. همین گوشه‌ای که نشسته‌ای بنشین. همین چای اعلا که جلوت گذاشته اند سر بکش. قدر این زغال خوب را هم بدان، از عرایض ما هم لذت ببر و خیال کن که بر المپ نشستی و داری به کار خلق نگاه می کنی. همین گوشه بنشین که خوش تر از این گوشه پادشاه ندارد.

آقای روشن ضمیر: گفتی المپ. پیشنهاد می دهم دسته جمعی برویم سونای بخار. با این ریش و موی سفید و حوله روی دوش انداخته و آن بخار پراکنده عیناً همان خدایان المپ نشین هم خواهیم شد. جناب کپورچالی هم کانه زئوس بر صدر مصطبه سونا بنشینند و صاعقه بفرستند طرف زمین.

آقای کپورچالی: المپ بدون آفرودیت، بگو گود زورخانه.

آقای روشن ضمیر: دیگر شرمنده‌ام. هذا بضاعتنا مزجاه. بنده همین که بتوانم حضرات پرومته و هرکول و آشیل را به محضرتان بفرستم، خیلی هنر کرده‌ام. مسائل جانبی اش از عهده بنده خارج است.

آقای مویدی: حالا تا تایتان ها و اراذل و اوباش نیامده اند بحث المپ و المپ نشینی را عوض کنید.

آقای امیرشاهی: از هر چه بگذریم سخن فوتبال خوش تر است. من می گویم ما در زمینه سرود و شعار، خیلی می توانستیم به تیم ملی کمک کنیم، اما نکردیم.

آقای کپورچالی: در زمینه ارنج تیم و مسائل فنی و تکنیکی هم کم نمی توانستیم کمک کنیم. می گویند، یک تیم، یازده تا بازیکن دارد، یکی کاپیتان و چهل پنجاه میلیون مربی. ما هم جزء همین چهل پنجاه میلیون. یکی اش هم همین فریدون ابک. مطلبش را خواندید؟

آقای امیرشاهی: چی نوشته بود؟

آقای روشن ضمیر: چیز خاصی نبود. برای لحظاتی فراموش کرده بود که در کجا دارد زندگی می کند. ظاهراً از این عوالم دارد. گاهی فکر می کند یک شهروند فرانسوی است، شرق هم لوموند، تیم ملی هم...

آقای مویدی: یک چیزی تو مایه های این گفته بود که باید کف اقیانوس را با رنگین کمان کاشی کنیم.

آقای کپورچالی: حالا آمدیم و تیم ملی ما نبرد. در چنین شرایطی سرود مناسب داریم؟ باید بروند توی آرشیو این ترانه را دربیاورند که «جماعت یه دنیا فرقه بین دیدن و شنیدن/ برید از اونا بپرسید که شنیده ها رو دیدن.»

آقای امیرشاهی: د من همین را دارم می گویم. ما باید سرودی می ساختیم که جنبه دلداری و قوت قلب هم داشته باشد که اگر یک هزارم درصد، ماجرا یک شکل دیگر شد، دستمان خالی نباشد.

آقای روشن ضمیر: همین حرف ها را می زنید که می گویند این قلندران عرق ملی ندارند. خب یک خرده از فریدون یاد بگیرید. تازه فیلسوف هم هست. سر هر چی کوتاه بیاید، سر فوتبال کوتاه نمی آید. هیچ بعید نیست اگر خدایی نکرده به جای برد، مساوی کنیم، تفنگ بردارد و برود سر وقت اعضای تیم ملی. نمی دانم می دانید یا نه ولی از این روحیات کامرونی هم دارد.

آقای امیرشاهی: حالا من به این چیزها کاری ندارم. بر مبنای آنچه عرض کردم سرودی نوشته‌ام که اسمش هست «تیک ایت ایزی». تضمینی است از شعر خواجه که فرمود «خواهی که سخت و سست جهان بر تو بگذرد/ بگذر ز عهد سست و سخن های سخت خویش.» فردا اگر عمری بود، کاملش را برایتان می خوانم.

mirfattah@Yahoo.com

خبر

انتشار شماره جدید نشریه روایت نزدیک

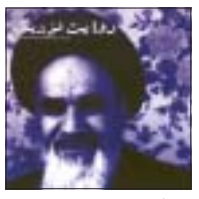

در آستانه فرارسیدن سالروز رحلت حضرت امام خمینی(ره) شماره جدید نشریه روایت نزدیک به صاحب امتیازی فرهنگسرای پایداری با عنوان «روایت نزدیک از سید روح الله موسوی خمینی» منتشر شد. زندگینامه، خاطرات اساتید حضرت امام(ره)، خاطرات سیدمصطفی و سیداحمد خمینی و یادداشت هایی از این شخصیت های فرهنگی از جمله مطالب درج شده در این نشریه است. علاقه مندان برای دریافت این نشریه می توانند با شماره ۲۹-۳۳۳۵۰۰۲۸ تماس بگیرند.